

به نام یک قلعه یا غذای بریانی؟

موقعیت: محله بریانک

نام: وجه تسمیه بریانک

محله بریانک روزگاری روستایی بود باصفا با باغ‌های فراوان و قلعه‌ای کهن در بلوک غاری که در دوره‌های سکونتگاه ۱۰۰ تهرانی بود. اگرچه اکنون دیگر کمتر نشانی از آن آبادی باقی مانده و باغ‌های درندشت جای خود را به آپارتمان‌ها و خیابان‌های شلوغ داده‌اند، اما ده بریانک هنوز با خاطرات روزگار گذشته‌اش در ذهن موسفیدان محله زنده است. رحمت‌الله خادم‌الحسینی در باره محدوده روستای بریانک می‌گوید: «محله بریانک یادگار ده بریانک است؛ روستایی که در قیاس با محدوده کنونی محله وسعت بیشتری داشت. امروز بریانک از شرق به بزرگراه نواب، از شمال به خیابان کمیل و از جنوب به خیابان قزوین و از غرب به خیابان هرمان محدود می‌شود اما چند دهه پیش که بریانک یکی از روستاهای بلوک غار محسوب می‌شد، بسیار وسیع‌تر از امروز بود. در نقشه‌های تهران قدیم، ده بریانک از شمال به اکبرآباد، از غرب به روستای جی، از جنوب به محدوده امامزاده حسن (ع) و جاده قزوین و از شرق به باغ‌شاه محدود می‌شد.»



برای جست‌وجو درباره ریشه‌های نام محله بریانک نیز باید به تاریخ آن آبادی باصفا سفر کنیم. وجه تسمیه بریانک روایت‌های متعددی دارد. برخی معتقدند بریانک از واژه بیرونک تغییر یافته است. رحمت‌الله خادم‌الحسینی، یکی از اهالی قدیمی محله، در این باره می‌گوید: «بریانک قلعه‌ای کهن داشت به نام قلعه بیرونک. برخی می‌گویند نام محله بریانک از قلعه بریانک آمده است. قلعه‌ای که به گواه روایت‌های شفاهی اهالی قدیمی محله قدمتش به دوره صفویه یا قاجار می‌رسد و شماری از ساکنان روستا در آن زندگی می‌کردند. دلیل نامگذاری قلعه بیرونک که سالیان بسیار از ساکنان خود در برابر تهاجمات خارجی محافظت می‌کرد نیز این است که قلعه در حوزه روستای جی قرار داشت. به عبارت دقیق‌تر، قلعه جی قلعه اصلی این محدوده بود و قلعه بیرونک هم قلعه‌ای بود بیرون از قلعه اصلی و مردم به آن بیرونک می‌گفتند.» روایت دیگری هم از علت نامگذاری محله بریانک در خاطرات شفاهی اهالی این محله شنیده می‌شود. خادم‌الحسینی می‌گوید: «یکی دیگر از روایت‌ها این است که واژه بریانک مصغر بریان به معنای بره یا مرغ بریان است و چون به گفته اهالی قدیمی محله، یکی از شاهان قاجار هنگام تفرج و گردش در این روستا که باغ‌ها و اماکن تفرجگاهی بسیار داشت و نیز در محدوده هفت چنار بریانی می‌خورده، این محدوده هم به بریانک معروف شد.»

بریانک؛ فرزند قلعه تاریخی



سید رضای تهمی



فریسا نکومنش راد



محمد حسن ابراهیمی



علی خوش‌طینت



نصرالله حدادی



حمیدرضا یاقوبی



رحمت‌الله خادم‌الحسینی

از روزگاری که محله بریانک قلعه‌ای کهن در آغوش زمین‌های زراعی و باغ‌های انبوه داشت، چند دهه می‌گذرد. اکنون بریانک با کوچه‌های تودر تودر، خیابان‌ها و آپارتمان‌هایی که چون غول‌های سنگی در دل این شهر دود گرفته جا خوش کرده‌اند، شناخته می‌شود اما بر سه در همین کوچه‌ها نیز می‌تواند حکم سفر به دل تاریخ بریانک را داشته باشد. هنوز هم می‌شود در خاطرات موسفیدان بریانک از داستان‌های قلعه بیرونک و حمام قدیمی روستا سراغ گرفت و با زیارت آستان مقدس امامزاده معصوم (ع) آداب و رسوم و باورهای اهالی بریانک را شناخت. در این شماره از همشهری محله به قلب تاریخ ده بریانک سفر کردیم تا قصه‌هایی خواندنی از اقوام و ساکنان نخست این محله، ماجراهای میدان گوجه‌فرنگی، قنات و نهر تماشایی فیروز آباد، گورستان مسیحیان، روزهای پرتیهاب بمباران در واپسین روزهای جنگ تحمیلی، و... را روایت کنیم. مطالب این نشریه حاصل نشست محله من مرکز تهران پژوهی مؤسسه همشهری و گفت‌وگو با محمد حسن ابراهیمی، رحمت‌الله خادم‌الحسینی، حمیدرضا یاقوبی، رضا تهمی، علی خوش‌طینت، فریسا نکومنش راد، از اهالی قدیمی محله بریانک و نصرالله حدادی، تهران پژوهی است.

صدای زندگی در دژ امن

قلعه بریانک یکی از قدیمی‌ترین نشانه‌های زندگی در محدوده بریانک بود؛ قلعه‌ای که امروز هیچ اثر و نشانه‌ای جز چند ملک و بنای قدیمی در کوچه قمی‌نژاد، در حوالی میدان بریانک و خیابان شهید عرب، از آن باقی نمانده است. اما وقتی سراغ خاطرات ریش سفیدان محله می‌رویم ماجراهایی خواندنی از حال و هوای باصفا این قلعه از یادرفته زنده می‌شود. به گفته رحمت‌الله خادم‌الحسینی، از



موضوع: قلعه بریانک

موقعیت: کوچه شهید قمی‌نژاد

اهالی قدیمی محله بریانک، قدمت قلعه بریانک به دوران صفویان می‌رسد و اهالی اولیه آن هم از روستای دولاب به قلعه بریانک مهاجرت کردند. او تعریف می‌کند: «از قلعه بریانک تا حوالی کارخانه دخانیات هیچ خانه‌ای نبود. تا چشم کار می‌کرد زمین‌های زراعی بود و کرفس، بادمجان، کدو، گوجه‌فرنگی و صیفی‌هایی از این دست دیده می‌شد. در جوار باغ‌های آلبالو، گیلاس و گلابی که هنوز هم بعد از گذشت سال‌ها طعمشان فراموش نشدنی است؛ این باغ‌های سرسبز و پر محصول پاتوق بازی و دورهمی همه اهالی ساکن و دور و نزدیک قلعه محسوب می‌شد. بیشتر مایحتاج زندگی هم از سر زمین‌های کشاورزی تهیه می‌شد و چون همه با هم فامیل بودیم و غریبه‌ای میان ما نبود، گاهی حتی برای بردن محصول از سر زمین پول هم دریافت نمی‌کردند. بازار فروش محصولات کشاورزی اطراف قلعه بریانک، میدان گمرک بود.» اما از

باغ شادی محله

باغ اعتماد و باغ کمپانی از جمله باغ‌های مهم محله بریانک محسوب می‌شود که بخش مهمی از هویت و تاریخچه این محله با آنها گره خورده است. سرنوشت این باغ‌ها در این سال‌های متمادی دستخوش تغییرات شگرفی شده و فضای دیگری برای آنها رقم زده، اما داستان باغ گلستان همواره با شادی، شور و خوشحالی اهالی محل نوشته شده.



موضوع: قبرستان باغ گلستان

موقعیت: خیابان کمیل

از دهه ۲۰ خورشیدی در اطراف باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی منطقه و حوالی قلعه بریانک ساخت‌وساز صورت گرفت ولی عمده ساختمان‌ها و تراکم جمعیت این منطقه به دهه ۴۰ به بعد برمی‌گردد. باغ گلستان در جنوب خیابان کمیل قرار داشت و رفت‌وآمد هم برای عموم آزاد بود. قدیمی‌های محله می‌گویند قلعه ارمنه و قبرستان ارمنی‌ها هم در این محدوده واقع شده بود که به «لنوپارک» و بعد از مدتی به پارک کمیل کنونی تبدیل شد. نصرالله حدادی،

تهران‌شناس، درباره این باغ قدیمی می‌گوید: «در دهه ۴۰ قلعه‌ای در این محله بود به نام قلعه ارمنی‌ها. وقتی کودک بودم با پدرم از خیابان قزوین که رد می‌شدیم پادم هست که یک صلیب بزرگ کنار این محل بود. بعدها که گورستان ارمنی‌ها به جاده خراسان منتقل شد این قلعه به پارک تبدیل شد و پارک «بابائیان» نام گرفت. استوار «آیت‌الله بابائیان» یکی از دو نظامی‌ای بود که در حمله به محمد رضا شاه در کاخ مرمر سال ۱۳۴۴ کشته شده بود. بعد از سوءقصد به جان شاه که ناکام ماند، ۲۱ فروردین ۱۳۴۵ «روز شکرگزاری» نام گرفت



زمین‌های کشاورزی و باغ‌های اطراف قلعه که عبور کنیم، می‌رسیم به داخل قلعه که بخش اصلی آن در کوچه شهید قمی‌نژاد قرار دارد؛ جایی که هنوز هم با همه تغییرات سبک زندگی و شهری شدن محله بریانک، دیوارهای آجر بهمنی و چند خانه قدیمی‌اش، از جمله خانه شازده خانم که یکی از نوادگان قاجاری بود، جنب‌وجوش زندگی در قلعه فراموش شده را زنده می‌کند؛ قلعه‌ای که سالیان سال از مردم این محله محافظت کرد. خادم‌الحسینی درباره قلعه بریانک و قوانین زندگی کردن در آن می‌گوید: «قلعه یک در بزرگ داشت که اول صبح برای خروج اهالی، به‌ویژه برای رفتن مردها به سر زمین‌های کشاورزی، باز می‌شد. ساعت ۹ شب هم با پایان کار مردهای قلعه، در بزرگ بسته می‌شد و مسئولیت این کار هم بر عهده نگهبانی بود که خانه‌اش مجاور در بیرونی قلعه بود. همه اهالی در خانه گاو و گوسفند و مرغ و خروس نگهداری می‌کردند و در واقع بیشتر اهالی مایحتاجشان را در داخل همین قلعه برآورده می‌کردند.»



و از این تاریخ به بعد هر سال همین روز اطرافیان و طرفداران شاه برای نجات جانانش از آن حادثه شکرگزاری می‌کردند. این باغ بعد از گذشت سال‌ها به تالار پذیرایی تبدیل شده و همچنان در این زمینه فعالیت می‌کند.

حدادی می‌افزاید: «در ماجرای ترور، فردی به نام رضا شمس‌آبادی که سرباز بود به سمت شاه تیراندازی کرد. اما مقاومت و شلیک محافظان شاه مانع از کشته شدن او شد. استوار بابائیان و لشکری در این حادثه جان باختند و فرد ضارب نیز توسط گروه‌بان اصلی، از اعضای گارد جاویدان، به شهادت رسید. بعد از این ترور نافر جام بود که بگیر و ببندها شروع شد و شاه به این بهانه تعداد زیادی از مخالفانش را توسط نیروی امنیتی خود یعنی «ساواک» دستگیر و روانه زندان کرد.»

